

نقد و معرفی کتاب

شهین اعوانی

رسائل الشجرة الإلهية في علوم الحقائق الربانية

اثر شمس‌الدین محمد شهرزوری

تصحیح نجفقلی حبیبی

انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران،

جلد ۳، ۱۳۸۳-۱۳۸۵

جامه‌دوز بی‌جامه

این هم از شگفتی‌های روزگار است که شمس‌الدین محمد شهرزوری با نوشتن تاریخ‌الحکماء، برای همه، جامه شرح‌حال دوخت اما خود برهنه ماند و شرح‌حال روشنی از او در دست نیست. از نسخه‌های خطی رسائل الشجرة الإلهية او چنین برمی‌آید که او از حکمای قرن هفتم است و در سال ۶۸۷ زنده بوده‌است؛ و در فصل آخر طبیعیات آن، که در باب چند نوع ماهی توضیح داده‌است معلوم می‌شود در برخی از شهرهای ترکیه مثل انطاکیه و سینوپ اقامت و یا رفت و آمد داشته‌است. از آثار برجای مانده از او، برمی‌آید که در حکمت بحثی و ذوقی مقام بلندی داشته‌است و در تاریخ فلسفه چیره‌دست و بر آراء حکیمان پیش از خود و معاصرانش مسلط بوده و بر وضعیت علمی زمان خویش کاملاً اشراف داشته‌است. برخی از آثار شناخته‌شده او عبارتند از:

۱. نزهة الأرواح و روضة الأفراس مشهور به تاریخ‌الحکماء؛ علاوه بر متن عربی دو ترجمه فارسی آن نیز چاپ شده‌است.

۲. شرح حکمه الاشراف سهروردی؛ با تصحیح دکتر حسین ضیائی چاپ شده است.
۳. شرح تلویحات سهروردی با نام "التنقیحات فی شرح التلویحات".
۴. رساله ای در نفس که هنوز به دست نیامده است.
۵. رساله ای در عالم مثال با نام "الرموز و الأمثال فی الانوار المجردة المکوتیه"، که شیخ علی بن محمد معروف به مصنفک بر آن شرح نوشته بوده است. نسخه ای از آن یافت نشد.
- رسائل الشجرة الإلهیه فی علوم الحقائق الربانیه، مشتمل بر پنج رساله است که در سه جلد تنظیم و چاپ شده است:
- جلد اول مشتمل است بر:
- الرسالة الأولى - فی المقدمات و تقاسیم العلوم.
- الرسالة الثانیه - فی ماهیه الشجرة و تفاصيل العلوم الآلیه المنطقیه.
- الرسالة الثالثه - فی الاخلاق و التدابیر و السياسات.
- جلد دوم، مشتمل بر: الرسالة الرابعة - فی العلوم الطبیعیه.
- جلد سوم، مشتمل بر: الرسالة الخامسة - فی العلوم الإلهیه و الاسرار الربانیة.
- رساله اول (ج ۱، صص ۱-۳۳) در توصیف حکمت و فضیلت آن با تمسک به آیات و روایات و استشهاد از سخنان حکما و اشعار عربی، یک دوره مختصر حکمت و حکما که تلخیصی است از تاریخ الحکمای خود او، تقسیمات علوم و کیفیت انشعابات آنها که در آن - البته با ابداعاتی - از روش ابن سینا پیروی کرده است.
- رساله دوم (ج ۱، صص ۳۵-۴۷۱) در منطق است. مثل اغلب کتب منطقی قرن هفتم بر اساس روش دو بخشی است و در یک مقدمه و دو قسم تنظیم شده است. مقدمه، در سه فصل است که توضیحی است بر سبب نام گذاری کتاب به "شجرة" و تبیین تشبیه علم حکمت به درخت، چرایی دو بخشی بودن منطق و تبیین موضوع منطق. قسم اول، که در شش فصل سامان یافته است مشتمل است بر مباحث مختلف موصل تصویری یا اکتساب تصورات، و قسم دوم، که در شانزده فصل است در بیان

موصّل تصدیقی یا اکتساب تصدیقات است. بخش منطق الشجرة الإلهیه به صورت يك كتاب درسی متداول تنظیم نشده است بلکه با توجه به کیفیت طرح مسائل، طرح پرسش و پاسخ، بیان احتجاجات، نقل و نقد اقوال مختلف و ذکر مسائل و فروع، می توان گفت که يك كتاب منطقی استدلالی در سطح عالی است. شهرزوری بر خلاف اکثر معاصران خود، از جمله ابهری و دبیران کاتبی به موجز نویسی روی نیاورده است و به حق می توان او را يك شارح بزرگ منطق دانست. وی با بسیاری از منطق نویسان معاصر خود در انتخاب جایگاه مباحث، اختلاف دارد و بر خلاف سنت رایج، برخی مباحث را در جای مرسوم نیاورده است.

رساله سوم (ج ۱، صص ۴۷۳-۶۰۹) در اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن است. این رساله در حقیقت ترجمه آزاد/اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی است که هم در تنظیم فصول و هم در نام گذاری عناوین آن و هم در ذکر مطالب تصرفات آشکاری کرده است، مثلاً به جای "مقاله" از تعبیر "قسم" استفاده کرده است و اغلب مباحث نظری/اخلاق ناصری را حذف کرده است، با این حال از نظر محتوی ناظر بر/اخلاق ناصری و اغلب عین عبارت آن ترجمه شده است. رساله در سه قسم تنظیم شده است قسم اول، در اخلاق و قسم دوم در حکمت منزلی و قسم سوم در سیاست مدن است. مطالب کتاب با توجه به بیان خواجه، در قسمت اخلاق تقریباً ترجمه آزاد تهذیب الاخلاق ابن مسکویه است و در قسمت تدبیر منزل نیز طبق بیان خواجه بخشی از یونانی به عربی ترجمه شده و بخشی توسط حکیمان مسلمان از جمله ابن سینا نظام یافته است و در بخش سیاست مدن نیز بخشی از مواریث یونان و قسمت اعظم آن، پرداخته حکیمان مسلمانی چون فارابی و ابن سینا است که به قلم توانای خواجه طوسی نظمی هنرمندانه یافته است و شهرزوری به سلیقه خویش به عربی برگردانده است.

رساله چهارم (ج ۲، ۵۵۷ صفحه) در طبیعیات است و در هشت قسم تنظیم شده است. قسم اول در کلیات علم طبیعی یا طبیعیات عام و بالمعنی الاعم است و نظر در اموری است که شامل همه اجسام می شود بدون تعیین خاص مثل هیولی، صورت،

طبیعت، نهایت، حرکت، جهت، زمان و مکان؛ به این معنی که هر جسم از آن جهت که جسم است واجد این حقایق است و این عناوین از مسائل علم طبیعی است و هفت قسم دیگر خاص هر یک از موضوعات طبیعی است مثل آثار علوی، معدنیات و غیره. شیوه مرسوم حکمای اسلامی و در رأس آنان ابن سینا در تبیین طبیعیات عبارت بوده است از استدلال عقلی، تجربه و مشاهده؛ این شیوه مورد اتکای شهرزوری نیز قرار گرفته است و البته به عنوان یک حکیم اشراقی، گاه به حکمت ذوقی نیز روی آورده است و لذا در طبیعیات علاوه بر مقتضای برهان و تجربه و مشاهده و نقل سخنان حکیمان برهانی و بحثی، به کلام متألهان کشفی و ذوقی نیز تمسک جسته است و مثلاً در توجیه پدیده‌های طبیعی از نقش و تأثیر ارباب انواع و سرانجام رب‌الأرباب غفلت نکرده و جهان طبیعت را سراسر جلوه مفارقات دانسته؛ و به نظر او روح حاکم بر سراسر هستی اعم از مادی و مجرد توحید است، نه تباین و تکثر و پراکندگی.

شهرزوری در نوشتن بخش طبیعیات نیز با طرح دیدگاه‌های گوناگون و نقل و نقد آراء و ردّ و دفاع‌های مختلف به درستی دانش زمان خود را در طبیعیات منعکس کرده است. از مجموع معلومات پذیرفته شده روزگار خود در آثار اخوان الصفا، فارابی، جاحظ، ابن سینا، فخر رازی، شیخ اشراق و خواجه نصیر و کسانی در این پایه بهره برده و با تقریر و تشریح دیدگاه‌های فلاسفه و افزودن نکات بدیع برآمده از استنباط و تجربه و حدس خویش، بر میراث فهم و حدس و تجربه گرانسگ بشری حکیمان پیش از خود افزوده است. و آخرین فصل مفصل کتاب به رفتارشناسی حیوانات (اخلاق‌الحیوانات) اختصاص دارد که خواندنی است.

رساله پنجم (ج ۳، ۷۰۰ صفحه) این رساله در الهیات است و در دو "فن" و چهار مقدمه تنظیم شده است: وی در مقدمه که به فصول ۱-۴ الهیات شفای ابن سینا نظر داشته است مطالب سودمندی در باب تقسیمات حکمت، موضوع و منفعت و مرتبه حکمت الهی آورده است. به نظر شهرزوری حکمت الهی به لحاظ دشواری، ممکن است به گمراهی عده‌ای منتهی شود اما به لطف الهی در فاصله هر دوره طولانی،

بزرگی ظهور می‌کند و تباهی آن را اصلاح می‌کند و گویی مقصود او سهروردی است که احیاگر مکتبی است که شهرزوری شیفته آن است که همان حکمت الهی اشراق است. شهرزوری معتقد است خداوند هر که را بصیرت داد و در این علم توانایی یافت، باید به روشن کردن حقایقی که صلاح بندگان بر آن متوقف است، بکوشد و هم او بر این باور است که حکمت الهی از جایگاه رفیعی برخوردار است و در آن مقامات مردان مرد، روشن می‌شود و ترسوها از شجاعان متمایز می‌گردند، هر که به این علم دست‌یافت به خیر عام و کمال تام دست‌یافته‌است و اگر چنین‌کسی آنچه را یافته در کتابی بنویسد مایه اجر الهی و بقاء نام‌نیک است، زیرا ارشاد هم‌نوعان از بزرگترین وسائل تقرب به خدا و کامل‌ترین سعادت‌هاست. او نیز از بزرگانی است که برای تحصیل حکمت شروطی قائل است از جمله: اعتدال مزاج، حسن اخلاق، سرعت فهم، حدس عالی و ذوق کشفی و با این حال معتقد است باید نوری الهی در قلب طالب باشد که دائماً روشنی‌بخشد.

فن اول در الهیات به معنای اعم و در چهار فصل، در باب وجود، شیئیت، وجوب و امکان و امتناع، مقولات، تقسیمات وجود و اعتبارات عقلی است. فن دوم در علم الهی به معنای اخص است که در ۱۷ فصل تنظیم شد و یک دوره کامل الهیات است با آمیزه‌ای از مکاتب مشاء و اشراق که وجهه اشراقی آن غلبه دارد. شهرزوری در ورود و خروج مباحث ناظر به آثار سهروردی است بخصوص *التلویحات* و *المشارع*؛ به طوری که اگر ادعا شود این کتاب شرح آنهاست، مبالغه نیست؛ چنانکه می‌تواند شرح مفیدی برای الهیات شفا نیز باشد. شهرزوری در این شرح علاوه بر ابن‌سینا و سهروردی و اخوان‌الصفا و فخر رازی، از ابن‌کمنونه در شرح *تلویحات* و خواجه‌نصیر در شرح *اشارات* نیز بهره فراوان برده‌است.